

«وبستر» مجمه زیر پوست را می بیند!

تهران-ایسکانیوز: ناهید قادری در رشته مترجمی زبان انگلیسی تحصیل کرده و از سال ۹۱ کار ترجمه را آغاز کرده است. اودو کتاب از جورج برنارد شاو ترجمه کرده و اکنون تازه ترین اثر با ترجمه او از سوی نشر نی وارد بازار کتاب شده است. دوشس ملفی نمایشنامه ای متعلق به قرن ۱۷ و نوشته جان وبستر است.

قادری در پاسخ به خبرنگار ادبیات ایسکانیوز، درخصوص دوشس ملفی گفت: دوشس ملفی در بین کارهای چاپ شده ام کار دوم است. وی ادامه داد: در حال حاضر تنها دو تا از ترجمه هایم چاپ شده اند؛ دوشس ملفی و عروسان جنگ که بقیه کارها یم نیز در دست چاپ هستند، برخی از کارها متأسفانه مدتی طولانی در صف چاپ می مانند.

این مترجم درباره داستان، فرم و محتوای دوشس ملفی گفت: دوشس ملفی نمایشنامه قرن هفدهمی انگلستان نوشته جان وبستر است. داستان اصلی این تراژدی، سرگذشت دوشس ملفی است. او زن بیوه جوانی است که دور از چشم برادرانش با مباشر خود مخفیانه ازدواج می کند و به تبع این ازدواج خشم برادران خود را برانگیخته و آنها را به انتقام وادار می کند، برادرهای او برای انتقام، جان او، همسرش و فرزندان او را می گیرند، و سرانجام خود نیز به قتل می رسند؛ خود دوشس در این نمایش مرگی شهید وار دارد، او زنی خوب است که به دست مزدور برادرش، مردی به نام بوزولا، به طرزی شنیع به قتل می رسد.

قادری در پاسخ به این سوال که چرا به سراغ ترجمه نمایشنامه ای مربوط به حدود ۳ قرن پیش رفتید، گفت: یک دلیل علاقه خودم به ادبیات کلاسیک بود، دلیل دیگر خود اثر بود که به نظرم خیلی کار خوبی بود، هم تم و هم سبک نوشتار جان وبستر ادوست داشتم و مایل بودم در ایران هم خوانده شود، چون تا به حال ترجمه نشده است.

همچنین قادری درباره سبک کار جان وبستر گفت: جان وبستر نویسنده دوره جیمز ادبیات انگلستان است، دو اثر مستقل او یعنی دوشس ملفی و شیطان سفید از شاهکارهای اوائل قرن هفده انگلستان به شمار می روند، او در نوشتن تراژدی تبحر خاصی داشته است، سبک نوشتار او شبیه به ادبیات گوتیک قرن هجده و نوزده انگلستان است، مرگ، از تم های اصلی و مورد علاقه جان وبستر است، طوری که تی. اس. الیوت در مورد او می گوید، که وبستر مجمه را زیر پوست می بیند؛ دنیایی که او به تصویر می کشد، دنیایی بسیار تیره و تاریک است، کسان آثار او انسان هایی فاسد و سیاه اند و در میان این سیاهی و فساد، شخصیت های اصلی یا قهرمان های او پا به میان می گذارند که در هر دو نمایشنامه او این قهرمان ها زن هستند (چیزی که برای ادبیات آن دوران بعید به نظر می رسید)، و این زن ها مانند برخی زنان شکسپیر برای نمونه اقلیا در هملت، ایموجن در سیمبلین و کردلیا در شاه لیر مانند نوری هستند که در میانه دنیای تاریک نمایش می درخشند، مانند روزنه امیدی، آنها نماد پاکی و درستی هستند، یعنی همان خوبی که در پایان تراژدی های انگلیسی تاج بر سرشان گذاشته می شود.

این مترجم در پاسخ به اینکه با توجه به هم دوره بودن وبستر با شکسپیر چه شباهت ها یا تاثیراتی را می توان در آثار او دید ادامه داد: آلمان های تراژدی مربوط به یک دوره یا عصر هستند و نویسندگان هم همگی از آن الگو پیروی می کنند، وبستر با این که در دوره جیمز می نوشته اما سبک نوشتارش بیشتر شبیه به عصر قبل، یعنی دوره الیزابت است و عناصر تراژدی های آن دوره، که اکثراً تراژدی انتقام یا هستند در آثارش دیده می شود، عناصری که بسیاری از آنها از تراژدی سنکایی گرفته شده اند مثلاً قتل و خونریزی های مهیب، گروه همسرایان، ادنامایش یا نمایش بدون کلام، پژواک و ارواح و انتقام و ... همین عناصر در آثار نویسندگان دیگر همان دوره هم دیده می

شود، از جمله کریستوفر مارلو، توماس کید، شکسپیر و

قادری درباره تم اصلی نمایشنامه دوشس ملفی اظهار کرد: تم های متفاوتی دارد، از جمله: فساد دربار و شاهزادگان ایتالیا، فساد رجال مذهبی، سو استفاده از قدرت، شهوت، انتقام، فریب، موقعیت زنان در آن دوران و عواقب اعلام استقلال آنها از مردانشان، اختلاف طبقاتی، خشونت و مرگ و مهم تر از همه انسانی که همه این را خود به وجود آورده و خود تجربه می کند.

همچنین این مترجم درباره کارهای بعدی خود گفت: نمایشنامه ای از توماس کید به اسم سوگ نمایش اسپانیایی دارم که در دست چاپ است و حدود پنج شش کتاب دیگر که هنوز چاپ نشده اند. برنامه آینده هم بستگی به کار دارد، اگر کاری را بخوانم و تمش را دوست داشته باشم و اگر کار تا به حال در ایران ترجمه نشده باشد، ترجمه اش می کنم.